

### گزارش خبری

## میانگین سن ازدواج مردان ایرانی ۴ سال افزایش یافته است

**ایرنا**، جامعه‌شناس و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران افزایش میانگین سن ازدواج را از تحولات سبک زندگی خانوادگی در ایران برشمرد و گفت: میانگین سن ازدواج در بین مردان از ۲۴ سال به چهار سال بالاتر افزایش پیدا کرده و این افزایش میانگین سن ازدواج در زنان نیز مشاهده می‌شود.

به گزارش خبرنگار ایرنا، شهلا کاظمی‌پور روز پنج‌شنبه در نشست تخصصی و تعاملی اندیشکدگان خانواده، فرهنگ و امور اجتماعی جمعیت و نیروی انسانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با موضوع «تغییرات فرهنگ و تأثیر آن در سبک زندگی خانواده اسلامی ایرانی» به نتایج تحقیق خود درباره تغییرات نسلی و با اشاره به تحولات سبک زندگی خانوادگی در ایران اشاره کرد و گفت: افزایش میانگین سن در اولین ازدواج از تحولات سبک زندگی خانوادگی در کشور است، در تحلیل ثانویه از داده‌ها در مورد خانواده‌ها که انجام دادم اولین مورد از تحولات سبک زندگی، تغییر سن ازدواج هم برای مردان و هم برای زنان طی ۴۵ سال اخیر و بعد از انقلاب بوده است.

او افزایش میزان تجرد بین جوانان را از دیگر تحولات سبک زندگی خانوادگی در ایران برشمرد و گفت: سبک زندگی خانوادگی نیز طبق نظریه گذار جمعیتی دوم با تغییراتی مانند افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، کاهش نسبت افراد ازدواج‌کرده، افزایش طلاق، کاهش میزان ازدواج‌های مجدد متعاقب طلاق و بیوگی، کاهش بیشتر فرزندآوری متأثر از به تأخیر انداختن آن و افزایش سن والدشدن، افزایش فرزندآوری خارج از ازدواج، افزایش بی‌فرزندی قطعی در میان زوجین، افزایش نیازهای سطح بالاتر از جمله استقلال فردی و خودشنکوفایی و همچنین افزایش همانندی در نقش‌های جنسیتی و استقلال اقتصادی زنان همراه است.

**ظهور سبک‌های جدید زندگی ایرانی: از کم‌شدن حلقه خویشاوندی تا اقبال مردان به جراحی زیبایی**

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران تأکید کرد: مطالعات نشان می‌دهد سبک زندگی در ایران تغییر کرده و سبک‌های جدیدی از زندگی‌های خانوادگی ظهور و بروز پیدا کرده است، مانند اینکه صله رحم، جمع‌گرایی و خویشاوندی گسترده به موازات نفوذ زندگی جدید مورد بازاندیشی قرار گرفته‌اند و شاهد زندگی غربی هستیم.

کاظمی‌پور ادامه داد: یکی از ابعاد تحولات سبک زندگی درباره زنان، مدیریت بدن با گرفتن رژیم غذایی، جراحی زیبایی و آرایش است و اکنون مردان هم به جراحی زیبایی سوق پیدا کرده‌اند.

او اظهار داشت: رسوخ سبک زندگی غربی، خانواده ایرانی را از لحاظ فرهنگی و اقتصادی تحت‌الشعاع قرار داده است. الگوهای زندگی از الگوی عام تا سبک پوشش تغییر کرده است. مثلا الگوی عام در حوزه خوراکی‌ها به سمت فست‌فود رفته است.

**از تماشای تلویزیون به عنوان غالب‌ترین فعالیت فراغتی ایرانیان تا فعالیت‌های نوظهور مانند پارטי با قرص!**

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران اضافه کرد: الگوی خرید و مصرف کالا‌های فرهنگی تغییر کرده است. مثلا میزان مطالعه ۱۸ ساعت در هفته به ۱۵ ساعت تقلیل پیدا کرده است، پوشش و اوقات فراغت تغییر کرده و فراغت فعال به فراغت منفعلانه تبدیل شده است. اکنون تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو غالب‌ترین فعالیت‌های فراغتی ایرانیان است.

کاظمی‌پور با بیان اینکه یکی از مقوله‌های فراغتی که وارد سبد فرهنگی شده، مسافرت است، افزود: پارטי جوانان با مصرف قرص شادی‌آور و مشروبات الکلی از فراغت‌های جدیدی است که پدید آمده و به هر حال فعالیت‌های فراغتی نوظهوری داریم.

**تغییر نگرش جوانان نسبت به ازدواج**

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران در ادامه به تفاوت نگرش جوانان نسبت به افراد مسن در مورد ازدواج در تحقیق خود اشاره کرد و گفت: گویه‌های این تحقیق نشان می‌دهد که افراد مسن‌تر، دیدگاه سنتی و جوانان نگاه مدرن‌تری نسبت به مقوله ازدواج دارند. مثلا از نظر جوانان، دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج اشکالی ندارد.

کاظمی‌پور ادامه داد: مسن‌ترها درباره نحوه آشنایی با همسر، بیشتر گزینه «فایل‌یون» را انتخاب می‌کنند و جوان‌ترها مایلند بیشتر از طریق دوستی و میهمانی همسر خود با ازدواج کنند. حتی خانم‌ها تأکید کردند پسرها باید زیبایی و آراستگی داشته باشند.

او اضافه کرد: جوان‌ترها سن بالاتری را برای سن ازدواج مناسب می‌دانند، درحالی‌که مسن‌ترها سن پایین‌تر را ذکر کردند.

**به‌جای پرداخت وام برای افزایش ازدواج به مسائل فرهنگی بپردازید**

عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، مادی‌گرایسی را یکی از دلایل طلاق عنوان کرد و گفت: میزان طلاق با توجه به تغییرات شیوه‌های همسرگزینی و مادی‌گرایی رو به افزایش است. موافقت با طلاق در بین جوان‌ها بیشتر و در بین مسن‌ترها کمتر است.

کاظمی‌پور تصریح کرد: تغییرات سبک زندگی خانوادگی در ایران علاوه‌بر تأثیرپذیری از مدرنیزاسیون و جهانی‌شدن ناشی از رفتارهای فرهنگی بیمارگونه در میان بسیاری از متولیان امور فرهنگی و اجرایی کشور است.

او یادآور شد: بنابراین برای افزایش‌یافتن جهت‌افزایش میزان ازدواج، کاهش سن ازدواج و کاهش میزان طلاق به‌جای ارائه وام و تسهیلات برای ازدواج یا صدور بخش‌نامه برای کاهش طلاق، باید در زمینه مسائل فرهنگی و تغییر مؤلفه‌های سبک زندگی در کشور اقدامات ویژه به عمل آید.

**سبک زندگی مستلزم انتخاب است**

این جامعه‌شناس خاطر‌نشان کرد: سبک زندگی، جنبه‌های عینی و مشهود و ملموس فرهنگ و نظام ارزشی در یک جامعه است. در حقیقت سبک زندگی بر انتخاب‌های مهم افراد می‌تواند تأثیرگذار باشد.

کاظمی‌پور ادامه داد: سبک زندگی مفهومی است که با انتخابی‌شدن مفهوم زندگی روزمره معنا پیدا می‌کند. به این ترتیب که برخلاف گذشته و جوامع سنتی که افراد جایگزین‌اندکی در میان برنامه‌های زندگی خود داشتند، در جامعه معاصر به واسطه اهمیت‌یافتن خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی سبک زندگی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است.

او اضافه کرد: سبک زندگی مستلزم انتخاب است، اگرچه میزان و درجه آزادی انتخاب می‌تواند از فردی به فرد دیگر و از گروه، جامعه و زمانه‌ای تا گروه، جامعه و زمانه‌ای دیگر متفاوت باشد.

کاظمی‌پور با اشاره به نظریات بوردیو (جامعه‌شناس فرانسوی) درباره سبک زندگی گفت: موضع کلی بوردیو درباره مقوله سبک زندگی با این عبارت از کتابش مشخص می‌شود که اقتصاد جدید طالب دنیای اجتماعی است که در آن «مردم به همان اندازه که براساس ظرفیتشان در تولید ارزیابی می‌شوند برحسب ظرفیتشان در مصرف نیز ارزیابی خواهند شد» و اقتصاد نوین، اخلاق زاهدانه تولید و انباشت را به نفع اخلاق لذت‌جویانه مصرف نفی می‌کند.

درحالی‌که وقتی مهاجران کشورهای دیگر مثل مصر و هند را بررسی می‌کنیم، متوجه می‌شویم آنها می‌روند و برمی‌گردند. همچنین از کنار این رفتن‌ها، از لحاظ اقتصادی و علمی کلی دستاوردها برای مملکت خودشان دارند. سؤال مهم این است که چه اتفاقی رخ می‌دهد که جوانان ما با چنین حالت عاطفی از مملکت خارج می‌شوند؟ در پژوهش‌هایی که انجام دادم، متوجه شدم که بحران‌های اخلاقی زمانی رخ می‌دهد که ارزش‌های جامعه مثل عدالت، احترام، کرامت انسانی و آزادی‌های فردی به طور سیستماتیک نادیده گرفته می‌شود. در این زمان افراد مهاجرت می‌کنند. ما با بحران کرامت انسانی و تبعیض سیستماتیک، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی در کشور مواجه هستیم. البته به موضوع شرایط زیست اخلاقی در کشور مبدا و مقصد هم رسیدهام. در گذشته یکی از عوامل مهاجرت‌نکردن، این بود که خانواده‌های می‌گفتند جامعه غرب از لحاظ اخلاقی برای بچه‌های ما مناسب نیست، اما این داستان حالا برعکس شده است. الان در جامعه ما خانواده‌ها می‌گویند جامعه ما آن قدر از لحاظ اخلاقی آلوده شده است که ما مایل هستیم بچه‌هایمان را به غرب بفرستیم، چون در آنجا سالم‌تر پرورش پیدا می‌کنند.

**سوالات اعتقادی برای جذب اعضای هیئت علمی**

«ما فرار مغزها، شکار مغزها، گردش مغزها و اخراج مغزها را داریم. اخراج مغزها در سال‌های اخیر بیشتر هم شده است». این موضوع مورد بحث علیرضا پارسایی، استاد دانشگاه بود. او با اشاره به اینکه در فرار مغزها همه طیف‌های سیاسی مقصر بودند، تأکید کرد: «ما باید از مردم به خاطر سیاست‌هایی که داشتیم، عذرخواهی کنیم. درباره همین سیاست‌هایی که داشتیم، به اخراج مغزها از دانشگاه اشاره می‌کنم. من یک سؤال دارم، بیگاه و جایگاه نخبه کجاست؟ جواب دانشگاه و مراکز علمی و پژوهشی است. ما برای جذب افراد و هیئت‌علمی شدن، مواردی را تحت عنوان اعتقاد و التزام‌های مختلف گذاشتیم. اینجا دیگر بحث مهاجرت مطرح نیست، بلکه خودمان با قوانینی که گذاشتیم، به نخنگان می‌گوییم به شما نیازی نداریم، تو جایگاهی در مراکز آموزش عالی ما نداری. در این زمان نخبه دیگر چاره‌ای جز مهاجرت ندارد. نخبه اهل دروغ و ریا نیست. نخبه صادقانه پاسخ می‌دهد. وقتی ما قانونی می‌گذاریم که اعلام می‌کنیم ما به شما نیازی نداریم، شما شرایط احراز ورود به این مرکز آموزش عالی را ندارید، دیگر نیازی به فرار و شکار مغزها نیست. خودمان فرش قرمز برای خروج از کشور برای نخنگان پهن می‌کنیم. او تأکید کرد: کشور‌های حاشیه خلیج فارس با امکانات اقتصادی که

به نخنگان ما می‌دهند، آنها را شکار می‌کنند. ما حداقل کاری که می‌توانیم انجام دهیم، این است که آنها را اخراج نکنیم. خیلی متأسفم که در جلسات جذب در دانشگاه‌ها سوالاتی مطرح می‌شود که اصلا صحیح نیست. مثلا می‌پرسند آیا شما سال مالی دارید؟ سال مالی محسب را چه زمانی حساب می‌کنید؟ یک معیار به نام اعتقاد و التزام عملی به هر چیزی گذاشته‌اند. آیا کسی که می‌خواهد وارد مراکز آموزش عالی شود، لازم است این اعتقادات و التزامات را داشته باشد یا اگر کسی این اعتقادات را نداشته باشد، جایگاهی در کشور ما ندارد. اگر ما این را می‌پذیریم، دیگر سیاست‌گذار ما دغدغه مهاجرت نباید داشته باشد.

**۸۰ درصد مهاجران گفتند دیگر تمایلی به بازگشت به کشور ندارند**
نتایج تحقیقی که در سال ۱۴۰۲ از طریق پرسش‌نامه آنلاین با حضور حدود ۱۱هزارو ۹۰۰ نفر با میانگین تحصیلات کارشناسی انجام شد، نشان داد که فقط ۱۶ درصد ایرانیان به مهاجرت فکر نمی‌کنند. ۲۱ درصد کسانی بودند که برای مهاجرت اقدام کرده بودند و سهه درصد نیز کسانی بودند که اعلام کردند اقدام کرده و سه‌زودی از ایران خارج می‌شوند. این آماری بود که محمد

فاضلی، استاد جامعه‌شناسی، عنوان کرد و گفت: از بین کسانی که از ایران مهاجرت کرده بودند و در این تحقیق شرکت کردند، فقط ۲۰ درصد اعلام کردند مایل‌اند به کشور بازگردند و ۸۰ درصد گفتند که دیگر تمایلی به بازگشت به کشور ندارند. نتایج این تحقیق نشان داد که اصلی‌ترین انگیزه خروج از کشور مشکلات و متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و به این نتیجه رسیدیم که باید در رابطه بین حکومت و مردم تجدیدنظر شود. این پژوهشگر علوم اجتماعی افزود: پیام اصلی این تحقیق این بود که شیوه حکمرانی در ایران باید تغییر کند و با شیوه‌های فعلی و بدون برنامه مدون برای ایرانیان در داخل و خارج کشور، ادامه روند فعلی باعث می‌شود ایران از سرمایه‌های انسانی تهی شود. یکی از جدول نتایج این تحقیق نشان داد شیوه حکمرانی و مملکت‌داری در ایران هم‌راستا با خواست مردم نیست و ۸۰ درصد مردم کاملا با این شیوه مخالفند، ۱۳.۶ درصد نیز مخالف هستند و در مجموع ۹۳.۶ درصد پاسخ‌گویان اعلام کردند نسبت به شیوه حکمرانی فعلی مخالف یا کاملا مخالف هستند. او با ۹۴ درصد پاسخ‌گویان این تحقیق نیز اعلام کرد: آزادی و امنیت و فعالیت‌های سیاسی وجود ندارد و در مورد این گزاره که به حکامیت اعتماد دارم، ۹۰.۳ درصد پاسخ مخالف دادند. در واکنش به این گزاره که در اداره جامعه فساد آندک است، ۹۶ درصد مخالف بودند. همچنین میانگین نمره کسانی که اعلام کرده بودند به مهاجرت فکر نمی‌کنند درباره وضعیت اجتماعی ایران از ۳۰ از حدود ۷.۴ بود و هرچه به سمت افرادی که تمایل به مهاجرت دارند، برای مهاجرت اقدام کرده‌اند یا مهاجرت کرده‌اند پیش می‌رویم، این نمره کمتر می‌شود و به ۵.۶ می‌رسد.

**آمار مهاجرت را دقیق نداریم**

«ما دقیقا نمی‌دانیم چند درصد از دانشجویان ما به صورت اختیاری و چند درصد به صورت اجباری مهاجرت کرده‌اند. این درحالی است که اطلاع از این آمار بسیار مهم است؛ زیرا اگر مهاجرت اختیاری صورت گرفته باشد، ارتباط با آنها آسان‌تر خواهد بود. این آمار نیز ما نیازمند وزارتخانه مهاجرت در داخل هستیم اما چیزی که پیش آمده این است که رصدخانه قبلی نیز دیگر از فعالیت بازمانده است». این سخنان بهرام صلواتی، مدیر اسبق رصدخانه مهاجرت ایران و تحلیلگر ارشد حوزه مهاجرت، بود. او به جامعه دیاسپورای ایرانی اشاره کرد و گفت: جامعه دیاسپورای ایرانی به یک جامعه پرانگند در سطح جهانی که از افرادی که از یک سرزمین مشترک به نام ایران سرچشمه گرفته‌اند، کفته می‌شود. جامعه دیاسپورای ایرانی جامعه تحصیل‌کرده و

# توفان مهاجرت



عکس با نام:غلام‌عباسی ایرنا

دلایلی از جمله سبک زندگی خود، نه در حوزه دانشگاهی و نه اقتصادی، امکان رشد ندارند و مجبورند مهاجرت کنند و افراد زیادی که می‌خواهند برگردند، به دلیل انطباق خانواده با جامعه مقصد امکان بازگشت ندارند. او افزود: بالای ۶۰ درصد نیروی تحصیل‌کرده ما بیکار است و این رقم درباره زنان بالای ۷۵ درصد است. بعضی افراد که تجربه کار تکنیکال در ایران و خارج داشتند، مهم‌ترین موضوع برایشان امنیت روانی جامعه مقصد بود. این افراد در داخل با مشکلاتی مواجه می‌شدند.

**برای یک زندگی معمولی**

دکتر طاهره خزایی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران و استاد «جامعه‌شناسی مهاجرت»، سخن خود را با خاطره جلسه اول تدریس همین درس در ترم پیش آغاز کرد که وقتی نظر دانشجویان درباره مهاجرت را جویا شده، یکی از دانشجویان گفته است: در خارج فرش قرمز برای من پهن نکرده‌اند و فقط می‌خواهم زندگی کنم. برخی از نسل جوان به‌جای یک آرمان و ایدئال، فقط برای یک زندگی عادی می‌خواهند مهاجرت کنند. او با انتقاد از اینکه در سند سازمان ملی مهاجرت هیچ اشاره‌ای به مهاجرت ایرانی و جمعیت ایرانیان خارج از ایران نیست، گفت: براساس تعاریف علمی، ما دیاسپورای ایرانی نداریم. دو تا هفت میلیون ایرانی مهاجر داریم و میزان مهاجران بعد از جمهوری اسلامی با افزایش یافته و یا اقلاً کاهش نیافته و نظام سیاسی نتوانسته این روند را کم کند. به گفته خزایی، ایرانیان به دلیل نبود اعتماد در کشور مقصد از هم فرار می‌کنند، اجتماع هم‌بسته از ایرانیان در خارج از ایران نداریم که بگوییم «دیاسپورا» است. اندازه آن کوچک است و در گروه‌های کوچک و بزرگ و جزایر گریزان و منزوی پراکنده هستند و روابط حسنه با هم ندارند. همدیگر را قبول ندارند و اینکه همسوس با نظام جمهوری اسلامی هستی یا ایورزیسیون و… همدیگر را متهم می‌کنند. با جمعیت واگرایی مواجهیم که می‌شود به آنها مجمع‌الجزایر قیمتی بگفت. گرچه فرهنگی و متخصص هستند، اما پراکنده‌اند و آورده سیستماتیک برای جامعه ایران ندارند و حتی سفیر فرهنگی هم برای ایران نیستند.

**ما انقلاب کردیم که بند از پای مردم باز کنیم**

دکتر علی‌اکبر صالحی، استاد دانشگاه صنعتی شریف، با انتقاد از قانون ووتابعیتی گفت: قانون را برای این می‌گذارند که مشکلات مردم را حل کند. ما انقلاب کردیم که بند از پای مردم باز کنیم. اما برخی قوانین ما بندها را زیاد کرده است. هیچ‌جا به اندازه ما مجلسشان جلسه ندارد. بعضی صرفا با رویکرد سیاسی قانون ووتابعیتی را گذاشتند تا پای بعضی افراد به جای باز نشود. اگر فردی در آمریکا بوده و قهرا فرزندش آنجا به دنیا آمده، چاره‌ای جز قانون پایش را ببندد؟ باید قوانین منطقی و راهگشا باشند. البته دولت لایحه داده که بخشی از مسائل حل می‌شود. صالحی گفت: دست‌کم از کشورهای اطراف بیاوموزیم. لبنانی تا ابد لبنانی است و حتی با ۱۰۰ پاسپورت، هورقت لبنان برود. تمام امکانات را دارد. قوانین مدنی ما خون ایرانی را شریف می‌داند. از سال ۱۳۰۴ تاکنون، تنها هزارو ۶۰۰ نفر تابعیت ایرانی داده‌ایم. می‌توانیم به نخنگان دیگر کشورها هم تابعیت بدهیم. ما به ایرانی‌بودن افتخار می‌کنیم. اما پیش از آن انسان هستیم. باید دنبال اکوسیستمی باشیم که هم تشویق به خارج نشوند و هم از همه بتوان استفاده کرد.

**۸۰ درصد پژوهشگان بعد از مهاجرت رشته پژوهشی را کنار می‌گذارند**

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پژوهشی مهاجرت نخنگان را یک سرمایه‌سوزی برای کشور دانست و گفت: این سرمایه‌سوزی شاید قابل محاسبه مادی و علمی نباشد، اما به معنی از دست رفتن ژنتیک برتر کشور است. محمدرضا ظفرقندی تأکید کرد: بالای ۸۰ درصد پژوهشگانی که به کشورهایی چون آمریکا و کانادا مهاجرت می‌کنند، مجبورند رشته پژوهشی را کنار بگذارند؛ چون در آنجا نمی‌توانند کار پژوهشی کنند، زیرا مبنای اقتصادی ندارد. پژوهشگانی که به این کشورها می‌روند، اما مدرکشان مورد قبول نیست، نشان هم طوری نیست که در آزمون‌های آنجا بتوانند ورود کنند و بنابراین مجبورند به کارهای دیگر روی بیاورند. ظفرقندی با بیان اینکه مهاجرت نخنگان فقط به مسائل اقتصادی مربوط نمی‌شود، گفت: تبعیض و فرصت‌های نابرابر یکی از علل مهاجرت به شمار می‌رود. اگر فردی شایستگی ورود به دانشگاهی چون تهران را دارد و رتبه لازم را کسب کرده، باید زمینه آن فراهم شود، نه اینکه به دلیل بی‌عدالتی به بارش نورمال زمستان امیدوار باشیم که در این‌صورت هم باز احتمال کم‌بارشی می‌شود. او افزود: در پیش‌بینی‌های فصلی، ما با احتمالات سربوزکار داریم و نمی‌توانیم به مهاجرت می‌گرد.

ظفرقندی در ادامه با بیان اینکه برخی از افراد که به کشورهای غربی به دلیل شرایط اقتصادی و ارزش پول می‌روند و اسم آن را کارابابی می‌گذارم، رشته پژوهشی را رها می‌کنند، افزود: مهاجرت نخنگان مشکلی چندوجهی است؛ نگاه‌کردن به حوزه اقتصاد در مهاجرت نخنگان کارآمد است ولی کافی نیست.

## شرق

### خبر

## تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

ایلنا، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور گفت: چشم‌انداز خوبی از بارش‌های فصل زمستان پیش‌روی‌مان نیست. احد وظیفه، رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور، در توضیح دلیل وضع نارتجی هوا از نظر آلودگی پس از بارندگی گفت: هر زمان که باران می‌بارد و بعد بلافاصله باد شروع به وزیدن می‌کند، هوا نیز پاکیزه می‌شود اما منابع آلاینده ما زیاد هستند و با آرم‌شدن هوا، بلافاصله جایگزین می‌شوند. او ادامه داد: باید هم به مساحت شهر و جمعیت توجه داشت و هم اتومبیل‌ها، موتورسیکلت‌ها، کارخانجات و صنایع را در نظر گرفت که در حجمی بالا سوخت فسیلی می‌سوزانند. بلافاصله بعد از گذر موج‌های فعال نوبتسه‌شناسی، سرعت باد کاهش می‌یابد. با حجم تولیدی که منابع دارند، مجددا به‌سرعت آلودگی، هوای شهر را فرامی‌گیرد. وظیفه تصریح کرد: آلودگی‌ها در مقایسه با گذشته افزایش پیدا کرده‌اند. اگر جمعیت تهران برای مثال در ۲۰ سال پیش، حدود شش تا هفت میلیون نفر بوده، اکنون به ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر رسیده است. تعداد اتومبیل‌ها افزایش یافته، خانه‌های بیشتری از وسایل گرمایشی استفاده می‌کنند و تعداد کارخانه‌ها بیشتر شده است. به‌نوعی منابع آلاینده افزایش پیدا کرده‌اند. در نتیجه شهر سریع‌تر از گذشته دچار آلودگی می‌شود. اما هر بار، بارش برف و باران این آلودگی را پاک می‌کند. او در مقایسه کیفیت هوا در آسمان با سال گذشته اظهار کرد: در طول یک سال کیفیت هوا چندان تغییری نمی‌کند و تغییرات سالانه آن‌قدر که فکر می‌کنیم، زیاد نیست، اما نوسان سالانه زیاد است. اگر روند تغییر را در نظر بگیریم، این روند تغییر در یک سال خیلی معنادار نیست؛ زیرا ممکن است تعداد روزهای بارانی در یک سال زیاد و در سالی دیگر کم باشد و در نتیجه آلودگی در این دو سال هم متفاوت شود. مثلا ممکن است پاییز سال بعد، پاییز خوبی باشد و آلودگی‌ها فرصت اشغال هوا را پیدا نکنند. در نتیجه این تغییرات سال گذشته با امسال، خیلی ملاک و معیار نیست. به طور کلی بمتکتی به شرایط جوی دارد.

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم

تاکنون سال آبی بسیاریدی داشته‌ایم